

## مروند و آثار تاریخی آن

- ۱ -

مروند یکی از شهرهای قدیمی آذربایجان است ، در شمال غربی تبریز واقع شده ، هفتاد و دو کیلومتر با آن فاصله دارد (۱) و مرکز شهرستان مروند محسوب می شود . این شهرستان ، از شمال به مرز شوروی ، از جنوب به شهرستان تبریز ، از مشرق به بخش ورزقان اهر ، و از مغرب به شهرستان خوی محدود می گردد .

استرابون (۱) ، جغرافیدان و مورخ یونانی ، نام مروند را موروندا (۲) ذکر



ویرانه قلعه خاکی مروند

- ۱- رگ به : فرهنگ جغرافیائی ایران ، ج ۴ ، ستاد آرتش ، ص ۴۹۳ ، تهران ۱۳۳۰ ه . ش .  
۲- Strabon در حدود ۶۳ ق . م ، متولد و در سالهای بعد از ۲۰ بعد از میلاد در گذشته است . دایرة المعارف فرانکلین ، ص ۱۲۷ ، س ۱ ، تهران ۱۳۴۵ ه . ش .  
۳- رگ به : مسافرت در ارمنستان و ایران ، پ ، م ، زوبر ، ترجمه محمود مصاحب ، ص ۱۹۵ ، تبریز ۱۳۴۷ ه . ش .

کرده است .

بطلمیوس ، منجم ، ریاضیدان و جغرافیدان معروف حوزه علمی اسکندریه ، در قرن دوم میلادی ، طول و عرض جغرافیائی مرند را هفتاد و سه و يك ششم درجه ، وسی وهفت و يك چهارم درجه نوشته است . (۱)

ولادیمیر مینورسکی (۲) ، با استفاده از نظر باستانشناسان ، قلعه خاکی فرو ریخته واقع در جنوب شرقی شهر مرند را ، از سلسله قلاع خاکی او رارتو می داند که نظایر آن ، در حمله سارگون (۳) دوم در نقاط مختلف آذربایجان فرو کوفته شده اند . (۴)  
ویلیامز جکسن (۵) این قلعه را به جا مانده یکی از آتشکده های دوره ساسانی پنداشته است . (۶)

مورخان ارمنی توجیه شگرفی دارند، وجود مرند را به زمان نوح می رسانند، عده ای از آنان معتقدند که نام مرند از دو کلمه « Mair » و « and » « مر ، اند » تشکیل یافته، و وجه این تسمیه آن است که زن نوح در مرند به خاک سپرده شده است. (۷) کاری و چند تن دیگر بدون تأمل و توجیه به تاریخ ، این معنی را تکرار کرده اند (۸) ، البته مانند وجه تسمیه تبریز که مورخان ارمنی تصور کرده اند در اصل « د ، ای ، ورژ » (۹) بوده، که البته توجیهی جاهلانه است. تاریخ و وضع مرند در سالهای بعد از اسلام روشتر است:  
بلادری ، آبادی و گسترش مرند را مرهون توجه مجلس و فرزندش بعیث ، و فرزند وی محمد می شمارد .

می نویسد : « مرند ده کوچکی بود ، مجلس ، بعیث و محمد به ترتیب بر آن آبادانی کردند ، بعیث بارومی ساخت و فرزندش محمد کاخهایی در آن ( مرند ) بر آورد ، سپس با خلیفه متوکل از در خلاف برآمد ، بنای کوچک ، غلام متوکل ، به جنگ وی شتافت ، بر او چیره شد ، دستگیرش نمود ، به « سر من رای » برد و بارو و کاخهای مرند را با خاک یکسان ساخت . (۱۰)

- 
- ۱- معجم البلدان ، یاقوت حموی ، ج ۵ ، ص ۱۱۰ ، بیروت ، ۱۳۷۶ هـ . ق . باید یاد آور شده که مرند در ۴۵ درجه و ۴۲ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرنویچ و ۳۸ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی واقع شده است . رك به : راهنمای آثار تاریخی آذربایجان ، اسماعیل دیباج ، ص ۳۱ ، تبریز ۱۳۴۳ هـ . ش . ۲- V. Minorsky ، دایرة المعارف اسلامی ، ص ۲۸۳ - ستون ۱ ، (متن فرانسوی) . ۳- پادشاه آشور . ۴- رك به: تاریخ ماد ، ۱ . م . دیاکونف ، ص ۲۷۱ ، ترجمه کریم کشاورز ، تهران ۱۳۴۵ هـ . ش .
  - ۵- A. V. Williams Jackson . ۶- سفرنامه جکسن ، ترجمه منوچهر امیری ، ص ۵۴ ، تهران ۱۳۵۲ هـ . ش . ۷- همان کتاب ، ص ۵۴ ، و ماده مرند ، دایرة المعارف اسلامی به قلم مینورسکی ، ص ۲۸۳ ، ستون ۱ ، (متن فرانسوی) . ۸- سفرنامه کاری ، ترجمه دکتر نخجوانی و کارنگه ، ص ۱۹ ، تبریز ۱۳۴۸ هـ . ش . ۹- تاریخ تبریز ، و مینورسکی ، ترجمه کارنگه ، ص ۷ ، تبریز ۱۳۳۷ هـ . ش . ۱۰- احمد بن یحیی ، فتوح البلدان ، ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش ، ۱۶۹ ، تهران ۱۳۴۶ هـ . ش .

ابن واضح (احمد بن یعقوب) (۱) و ابوالفرج قدامة بن جعفر، (۲) در قرن سوم: مرند را یکی از بلاد معمور شمرده‌اند. ابن خرداد به (۳) نیز مطلبی بدان مضمون آورده و مرند را مقر و مرکز فرمانروائی محمد بن البمیث ذکر کرده است. در نوشته ابن الفقیه (احمد بن محمد بن اسحق) (۴) نیز مطلبی بیش از آنچه بلاذری در باره مرند نوشته به چشم نمی‌خورد.

اصطخری از جغرافی‌نگاران قرن چهارم، مرند را شهری کوچک، در ردیف تبریز، خوی، دهخوارقان، سلماس و میانه تعریف کرده است. (۵)  
ابن حوقل ضمن تکرار سخنان اصطخری به بساطها و تشکهای محفوری (۶) کم نظیری اشاره کرده که در مرند و تبریز به دست می‌آمده است. (۷)

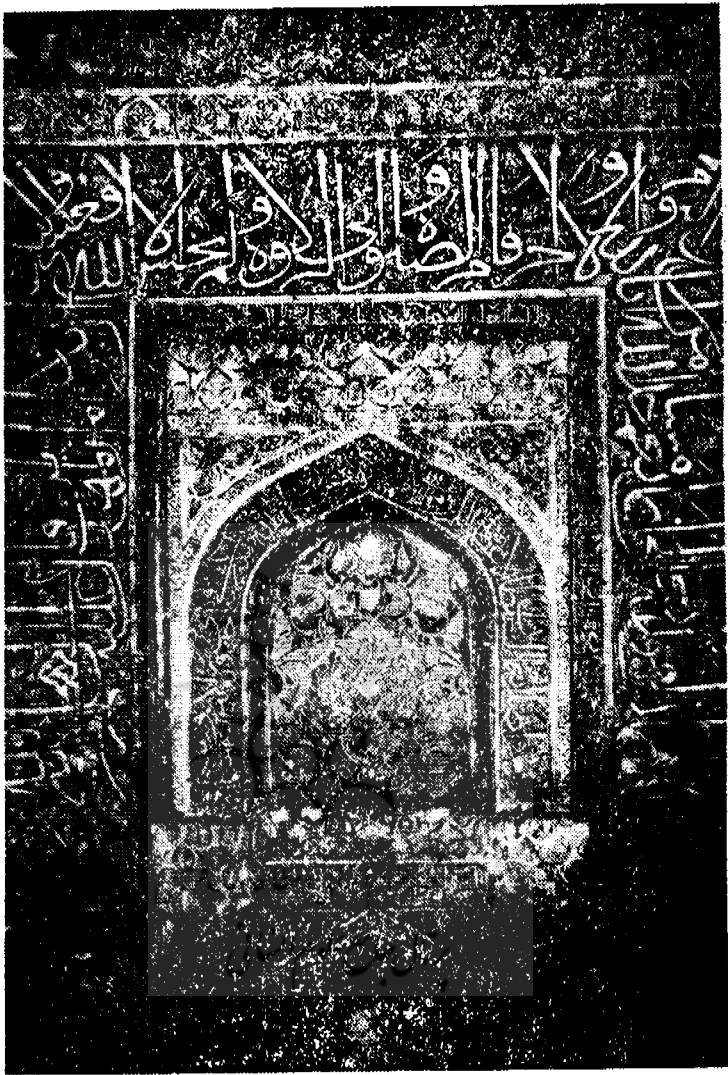
صاحب حدود العالم (۸) که همزمان با ابن حوقل می‌زیسته، مرند را جزء ارمینیه شمرده و نوشته است: «شهر کی است خرد و آبادان و با نعمت و مردم بسیار، و از وی جامه‌های گوناگون خیزد پشمین.» (۹)

مقدسی به سال ۳۷۵ ه. ق، استحکام بارو، فراوانی باغها و آبادانی شهر و رونق جامع و رواج بازار مرند را ستوده است. (۱۰)

یاقوت حموی در ذکر مرند، به جنگهای دورانه‌های پیشین و غارت و تخریب مرند از سوی گرجیان اشاره کرده است و از چند فقیه و دانشمند بزرگ نام برده که همه از مرند برخاسته‌اند. (۱۱) خواجه رشیدین فضل‌الله نیز دروقفنامه ریح رشیدی، از مرند یاد کرده و از مستغلاتی در آن نام برده که همه جزء موقوفات رشیدیه بوده‌اند. (۱۲)

ابوالفداء صاحب تقویم البلدان، ضمن تعریف محل و موقع مرند، به وفور آب و درختان

- ۱- البلدان، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، ص ۴۶، تهران ۱۳۴۳ ه. ش.
- ۲- کتاب الخراج، ص ۲۱۳، لیدن ۱۳۰۶ ه. ق. ۳- ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، مؤلف المسالك والممالك، ص ۱۱۹، لیدن ۱۳۰۶ ه. ق. ۴- ترجمه مختصر البلدان، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحق، ترجمه ح. مسعود، ص ۱۲۷، تهران ۱۳۴۹ ه. ش.
- ۵- مسالك و ممالك، ابوالاسحق ابراهیم، ص ۱۵۶، به اهتمام ایرج افشار، تهران ۱۳۴۷ ه. ش.
- ۶- محفور نام جایی بوده در کنار بحر الروم که در آن بساطهای نیکو به دست می‌آمده است. ف. ن. ۷- صورة الارض، ابوالقاسم محمد بن حوقل، ترجمه دکتر جعفر شعار، ص ۸۵ و ۹۲، تهران ۱۳۴۵ ه. ش. ۸- مؤلف حدود العالم معلوم نیست.
- ۹- تصحیح دکتر منوچهر ستوده، ص ۱۶۰، تهران ۱۳۴۰ ه. ش. ۱۰- احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، ص ۳۷۴-۳۷۵، لیدن ۱۹۰۶ م.
- ۱۱- معجم البلدان، شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله بغدادی، ج ۵، ص ۱۱۰، بیروت ۱۹۵۷ م. شرح حوادث مرند در دوران سلاجقه و جلال‌الدین خوارزمشاه در کتب تاریخ به تفصیل آمده است. از علمای مرند عده‌ای را نام برده که از آن جمله‌اند: محمد بن عبدالله بن بندان؛ ابوالوفاء خلیل بن احمد و ابوعبدالله محمد بن موسی المرندی. ۱۲- چاپ عکسی، ص ۳۶۹، تهران ۱۳۵۰ ه. ش.

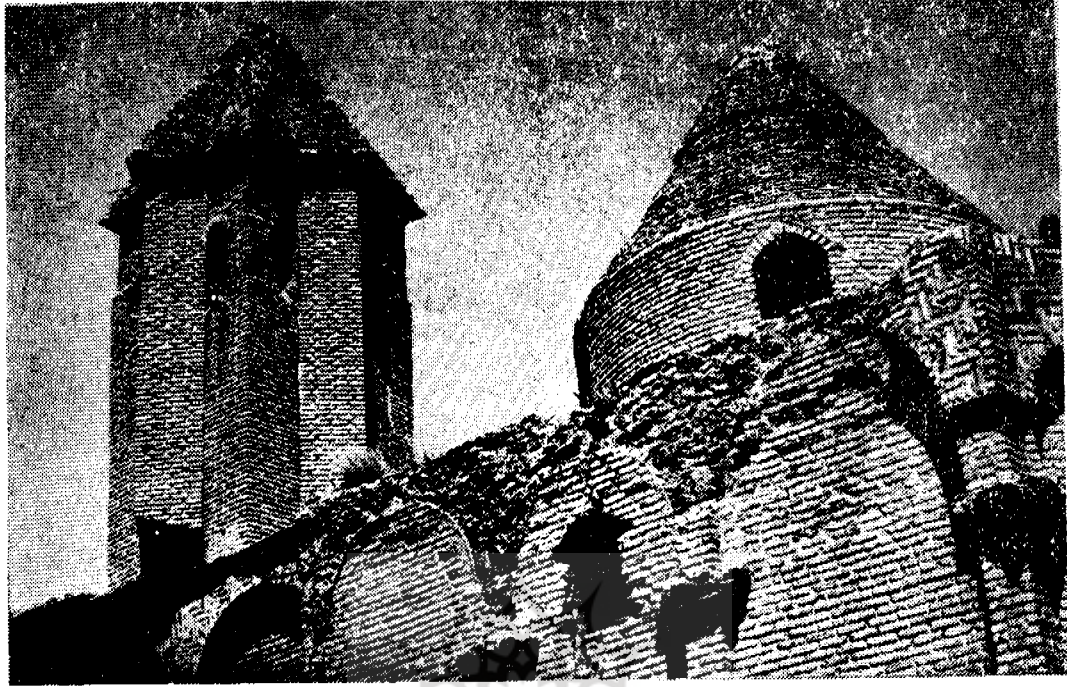


محراب مسجد جامع مرند

آن اشاره کرده است . (۱)

حمدالله مستوفی دربارهٔ مرند تعریف موجز و مفیدی آورده و نوشته است : «مرند شهری بزرگ بوده است ، دور بارویش هشت هزار گام است ، اکنون کمایش نیمهٔ او برجاست ،

۱ - ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی ، ص ۴۶۳ ، تهران ۱۳۴۹ ه . ش . «ابوالفداء عمادالدین اسماعیل بن نودالدین علی ، نسب از برادر صلاح‌الدین ایوبی داشت و از کردان بود .»



نمایی از کتیبه‌های کلیسای سهرل



نمایی از کلیسای سن استپانوس



هوایش معتدل است و آبش از رود زنوز، حاصلش غله و پنبه و دیگر حیوانات و انگور و میوه بود. ازمیوه‌هایش شفتالو و زردالو و به، در غایت خوبی باشد. ولایتش شصت پاره دیه است و حاصلی نیکو و زمین مرتفع دارد. (۱)

کاتب‌چلبی در «جهان‌نما» مفاد مندرجات نزهت القلوب را، به عبارت ترکیبی بیان کرده است. (۲)

اما اولیا چلبی، مانند جهانگردان غربی، به تعریف مشاهدات و مسموعات خود پرداخته و نوشته است:

«مرند از شهرهای حاکم نشین است، قاضی و داروغه و کلاتر دارد، و صدها تن مأمور زیر فرمان حاکم، نظم درون و بیرون شهر را تأمین می‌کنند. دور مرند را باغهای سرسبز و خرم فرا گرفته است، با تبریز چهارده فرسخ فاصله دارد، در این مسافت، زمینی بایر به چشم نمی‌خورد، همه جا مزرعه و گلستان، و باغ و بوستان است. در روزگاران پیشین، کوههای اطراف مرند شکارگاه شاهزادگان تیموری بود، مرند نیز از آبادی چیزی کم نداشت، اما هنگام لشکرکشی سلطان مراد به تبریز، این شهر صدمه و ویرانی فراوان دید. اکنون آن ویرانیه در دست تعمیر و مرمت اند. شهر مرند هفت مسجد، سه کاروانسرا، پنج حمام، شصت دکان و نزدیک به سه هزار خانه دارد. از مدرسه و مکتب نشانی در آن دیده نمی‌شود، کوچه‌ها و خیابان‌های باصفا و بهشت آساست، میوه‌های لطیف فراوان دارد، همه اهالش شیعی و اغلب رعیت و کارگر و کشاورزند.» (۳)

غالب جهانگردان خارجی نیز که از دوران تیموریان تا اوایل دوران پهلوی از مرند عبور کرده‌اند، هر یک طرحتی ساده از چهره مرند ارائه نموده‌اند. کلاویخو، (۴) بازرگان و نیززی، (۵) تاورنیه، (۶) شاردن، (۷) کارری، (۸) ژوبر، (۹) جکسن (۱۰) از این شمارند.

تاتمام

- 
- ۱ - نزهت القلوب، ص ۱۰۰ و ۱۰۱، تهران ۱۳۳۶ ه. ش. ۲ - حاجی
  - خليفة ص ۳۸۷، قسطنطنیه ۱۱۴۵ ه. ق. ۳ - باختصار و تفسیر چند عبارت از
  - سیاحتنامه اولیاچلبی قسمت آذربایجان، ترجمه و تلخیص مرحوم حاج حسین نخبجوانی، ص ۹
  - و ۱۰ تبریز ۱۳۳۸ ه. ش. ۴ - سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۳۶۱،
  - تهران ۱۳۳۷ ه. ش. ۵ - سفرنامه‌های و نیزیان، ترجمه منوچهر امیری، ص ۳۸۰،
  - تهران ۱۳۴۹ ه. ش. ۶ - سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، ص ۱۱۰، تهران
  - ۱۳۳۱ ه. ق. ۷ - سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمدعباسی، ج ۲، ص ۳۹۹، تهران
  - ۱۳۳۵ ه. ش. ۸ - سفرنامه کارری، ص ۱۹. ۹ - مسافرت به ارمستان و ایران،
  - ص ۱۹۵. ۱۰ - سفرنامه ابراهم و ویلیامز جکسن، ص ۵۴.